

گفت‌و‌گو با پوران درخشنده به بهانه استقبال مجامع سینمایی جهان از آخرین ساخته او

فیلم باید راوی رنج های مردم باشد



هاجر صفابخش

پوران درخشنده را چندی پیش در میان خیل عظیمی از جمعیتی دیدم که برای تشویقش به سینما «بهم سنندج» آمده بودند تا لوح تقدیر و سیمیرغ جشنواره فجر را از مردم فرهنگ دوست و هنر دوست کردستان دریافت کند. وقتی پشت تریبون رف تا از مردم تشکر کند با ادبیاتی دراماتیک مهر افتخار بر هویت کرد بودن خود نهاد و اذعان داشت همواره دلش برای کردستان می‌تپد؛ زنی از خطه کرمانشاه. متولد سال ۱۳۲۰، هفتم فروردین، وقتی شکوفه‌ها دهان باز می‌کنند تا به بهار سلام کنند او به زندگی سلام داد. درخشنده بدون نشان دادن خوشبختی نگاهش را به لئز دوربین بخشید و از روزنه این پنجره زیبا، عاشقانه دلش را به رشته سینما دوخت و برای نشان دادن زشتی‌ها، زیبایی‌ها و تلاش مردمان سرزمینش کوشید. در همان سال‌های شور جوانی یعنی ۱۳۵۴وقتی تحصیلات تکمیلی خود را در مدرسه عالی تلوزیون و سینما تمام کرد به صدا و سیما راه یافت و نخستین فیلم سینمایی خود را در سن ۳۵ سالگی با نام «رابطه» ساخت که درباره نوجوانان ناشنوا و مشکلات آنها در خانه و جامعه بود. و اکنون در ۶۰ سالگی دوربین عقلایت هنری‌اش را بر اثر سینمایی «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» زوم کرده است؛ همین ژانر اجتماعی هم بود که پنجره رابطه دوباره او با مردم کردستان شد و وسیله سفرش به این دیار را فراهم آورد. درخشنده پس از ۳۶ سال تلاش در عرصه سینما در ردای نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده با فیلم‌های «رابطه»، «پرنده کوچک خوشبختی» که در عرصه بین‌المللی هم برای او خوشبختی آورد، «عمور و انبار»، «زمان از دست رفته»، «شعی در باد»، «عشق بدون مرز»، «روْیاهای خیس»، «بچه‌های ابدی»، «خواب‌های دنباله‌دار» و «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند»، درخسیده است. او در آخرین فیلم خود صدای زنان و دخترانی شد که هیچ وقت راه بیان این مسأله را پیدا نمی‌کنند تا از حق خود دفاع کنند. گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید در طبقه دوم سینما بهمین سنندج انجام شده است…

■ اجازه بدهید به اعتبار فیلم‌های قبلی‌تان از جمله «رابطه» و «پرنده خوشبختی» و بویژه فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» شما را حامی و دوستدار بچه‌های ایران بنامیم و بپرسیم آیا واقعا موضوع انتخابی برای کارهای‌تان مادرانه ودلسوزانه است یا اینکه بر اساس موقعیت کاری و اجتماعی و بر پایه زمان انتخاب شده‌اند؟

نه به هیچ وجه، اصلا از روی مشخصه کاری نبوده که چون کارگردانی می‌کنم مثلا فلان فیلم را کارگردانی کنم، بلکه از روزی که وارد این عرصه شدم و شروع به کار کردم، با خود عهد کردم غیر از مسیری که مردم هستند، در مسیر دیگری قدم نگذارم. خصوصا در مورد آسیب‌های اجتماعی کسانی که معمولا دیده نمی‌شوند و انسان‌های فراموش شده‌ای هستند که کسی به آنها توجه ندارد. سعی می‌کنم آنها را بیرون بکشم و برای آنها فیلمنامه بنویسم و فیلم بسازم.

■ از نظر خانم درخشنده، کودکان کمتر در ژانرهای سینمایی ایران دیده می‌شوند؟

کودکان معصوم‌ترین موجودات جهان هستند. بدون اینکه بخواهند به دنیا می‌آیند و خیلی زود حمایت عاطفی پدر و مادرها از آنها گرفته می‌شود.

■ رده سنی که برای فیلم‌های‌تان انتخاب کرده‌اید، رده بجایی است و مشخص است که در درونمایه فیلم به صورت کارشناسی روی این رده سنی کار شده است؛ چرا روی نودار سنی این رده سنی این قدر زوم کرده‌اید؟

در سنین مختلف بوده ولی بیشتر در دوران کودکی چه در مورد پسرها و چه در مورد دخترها. در واقع تا سن ۸ سالگی چون طبیعتا در این سن بچه‌ها متوجه چیزی نیستند. خانواده‌ها آنچنان

■ سال بیستم ■ شماره ۵۸۴۴

■ یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۳

زن و مسأله زن در ارتباط باشد.

گفته می‌شود که از کردستان دخترچه‌ای از خاطرات یک دختر که مورد آزار و اذیت قرار گرفته و صدایش به جایی نمی‌رسیده است به دست شما رسیده و شما نخستین جرقه ساخت این فیلم را از آن دخترچه گرفته‌اید؟ آیا این دخترچه شما را وادار به تحقیق بیشتر کرد. طوری که باعث شود برای تحقیقات بیشتر به مناطق کردستان بیاید با وجود اینکه خودتان با مسائل و مشکلات مناطق کردنشین آشنا هستید و برخورد با این موضوع در خانواده‌ها را می‌دانید؟

نخستین نامه‌ای که برای من فرستاده شده بود و آن شخص این‌د دخترچه را پست کرده بود که اصلا نمی‌دانم از کجا و چطور ادرس من را پیدا کرده بود. من موضوع را کنار گذاشتم. چون آن دخترچه مربوط به یک پسر بچه بود که اصلا نمی‌شد آن را فیلم و پخش کرد. تا اینکه دو سال بعد یک دختر سرگذشت خود را برای من تعریف کرد. حتی مادری هم آمد و داستان دخترش را و چندین مورد تکرار شده برای من تعریف کرد و دیدم نمی‌شود بی تفاوت بوده؛ انگار من نسبت به این موضوع مسئولیت سنگینی را روی شانه‌هایم حس می‌کنم و باید دنبال ساخت فیلمی با این موضوع بروم. چون می‌خواستم شرافت و ارزش و مقام و جایگاه و شان زنان و دختران جامعه ما حفظ بشود. باید این کار را انجام می‌ادم. حتی خودم سرمایه‌گذاری کردم؛ به هر حال این احساس مسئولیت باعث شد تحقیقات زیادی انجام بدهم. از جمله با ۷۰۰ نفر دختر مصاحبه کنم و همه این ۷۰۰ نفر یک چیز مشترک دارند و آن اینکه بحث مسائل زن در آن به طور جدی مطرح باشد، نه اینکه زن در آن حضور داشته باشد؛ جایی بیآورد، بنشیند، حرف بزند، برود و بیاید.

نه، جایگاه زن باید در این گونه سینما از تعریف و جایگاه درستی برخوردار باشد. مثلا در همین منطقه کرمانشاه واقعا زنان سنگ زیرین آسیا هستند، تلاش بسیاری را در زندگی‌شان می‌کنند، خیلی زحمت می‌کشند، بنابراین خیلی کمتر جواب می‌گیرند و به نیازهای روحی و روانی‌شان اصلا توجهی نمی‌شود. آنها باید شرایطی به وجود بیآورند که آرامش را برای همه فراهم کنند ، در حالی که خود زن در جایگاه همسر، مادر، خواهر و دوست دارای یک هویت انسانی است. همه اینها هست بدون اینکه خودش مطرح باشد. اکثرا نقش و شخصیت زن و جایگاهش را خیلی همراه و پیرو می‌بینم؛ ولی متأسفانه هیچ وقت به خودش توجه نمی‌کنیم که این زن به لحاظ عاطفی روحی و امنیت اجتماعی احتیاج به مراقبت‌هایی دارد که به او توجه کنیم که نشکند و داغان نشود که نیاید تا بسوزد و بسازد، بلکه در زندگی باید از یک تفاهم برخوردار باشد. او باید جایگاهش معلوم باشد و برای درک این جایگاه باید زندگی از یک تفاهم عمیق برخوردار باشد؛ زیرا زندگی یک خیابان دو طرفه است و در خانواده‌هایی که بین پدر و مادر عشق وجود دارد بچه‌ها از یک امنیت برخوردارند. چون معلوم است که پدر و مادر به هم احترام می‌گذارند، بچه‌ها هم این را می‌بینند که مادرشان در خانواده در چه وضعیتی است و اگر قرار باشد فیلمی راجع به زن بسازم، و مهم فیلم من، باید زن خودش وتمامی مسائلی را که با آن درگیر است و جایگاه والایش تعریف بشود.

■ زن‌ها برای تعریف جایگاه‌شان باید چه کار کنند؟

خود زن‌ها باید تلاش کنند و نباید هیچ وقت ناامید باشند، اینکه بخواهند بگذرد، به نظر من غلط‌ترین شکل ممکن است. آنها باید استواری خود در تثبیت

جایگاه‌شان و توسعه خودشان به لحاظ دانشی و آگاهی را با ابزار قدرتمند دانش و آگاهی تثبیت کنند؛ نشان بدهند در چه جایگاهی و چه موقعیتی هستند زیرا آنها حتی می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و مهم شرکت داشته باشند و نقش اساسی داشته باشند.

■ من از فیلم مثال می‌آورم، من و شما راجع به امنیت زن و مورد محبت قرار گرفتن او در خانواده حرف زدیم اما در فیلم خودتان مخاطب با دو خانواده مواجه است. خانواده‌ای هم هست که مرفه‌اند، برای بچه‌ها همه چیز فراهم است و هیچ گونه دغدغه‌مالی در آنها وجود ندارد ولی مادرها از امنیت اجتماعی برخوردار نیستند؟

بله حتی مادر دخترچه تلاش می‌کرد، زن‌ها بجای دهنده هم بودند. او می‌خواست برود و بگوید و می‌گفت اگر من بروم و بگویم این دختر (شیرین) نجات پیدا می‌کند، او می‌خواست برای نجات شیرین تلاش کند اما در نهایت دیدیم که خودش تصمیم گیرنده نبود. تصمیم گیرنده نبود چون خودشان امنیت نداشتند، آنچنان نبود وقتی به خانواده اول نگاه می‌کنیم، پدر تمام بار مسئولیت را به دوش مادر انداخته است و این زن به تنهایی جلوگو نیست؛ چون کار هم می‌کند و می‌خواهد روی پای خودش برود و واقع‌نظر است. چون یک نفر بیاید و تمام واقع‌ها را کند و بقیه بی تفاوت از کنارش رد شوند.

این زن‌ها در ختای زندگی می‌کردند که ترس داشتند، از اینکه ماجرا را تعریف کنند، باهمسرانشان صمیمی نبودند، یعنی سینمایی با موضوع زن، سینمایی که محوریت اصلی آن زن است. زن نه با نقش اصلی زن، بلکه با موضوع

ایران ۷

سینما

است کار بیرون یا کار خانه؟ بچه‌ها یا خودشان؟ و خب در این مورد هم بار هر دو را به دوش می‌کشند آیا این ناشی از ناآگاهی اکثر زنان جامعه نسبت به حق و حقوق خودشان در خانه و اجتماع است یا آنها هم آگاهی دارند و با دلسوزی چشم پوشی می‌کنند. در باب این مقوله باید چه کار کرد؟

باید فرهنگ‌سازی کرد و به سمت کارهای فرهنگی روی آورد، باید فیلم بسازیم و آگاهی را آموزش بدهیم و بحث آموزش به زنان بسیار مهم است و آنها احتیاج دارند که اول از همه بدانند جایگاه‌شان کجاست چون همان طور که شما گفتید شمار زیادی از زن‌های جامعه نمی‌دانند کجاست؟ هنوز نمی‌دانند اگر یک روز در خانه نباشند خانه به هم می‌ریزد، چون هیچ کس نمی‌داند، جای چیزها کجاست هیچ چیز را نمی‌توانند پیدا کنند. پس نیاز است زنان ما اول از همه آگاه بشوند.

■ برای آموزش این آگاهی نقش و کارکرد سینمای ایران نسبت به جامعه زنان چگونه است؟

سینما خیلی خیلی نقش دارد و واقعا هم نقش بزرگی دارد و نقش بزرگ سینما در این مقوله، به تصویرکشیدن توانمندی‌های زنان است. باید شرایطی را به وجود بیاوریم که مردم ببینند و حمایت کنند. مانند حمایتی که مردم از این فیلم انجام دادند. فکر می‌کنید حمایت مردم چه چیزی را در من به وجود می‌آورد که من فیلم آنها را بسازم. قسه فیلم من، قسه آنها باشد، آن وقت از فیلم تو حمایت می‌کنند. باید قسه، قسه دردها و رنج‌های مردم باشند. مثل چیزی که در هیس می‌بینید. موضوع ملتھی که تالو بود و نمی‌شد به آن نزدیک شده ولی حالا که نزدیک شدی می‌تواند مطرح شود. همین که دو نفر به هم می‌گویند هیس، یادمان می‌افتد که هیس چی بود؟ داستانش چه بود و چرا؟! آن وقت دیگر کسی نمی‌تواند بیاید و براحتی تجاوز کند، زیرا می‌داند که دیگر دخترها می‌توانند فریاد بزنند، می‌توانند داد بزنند و دادخواهی کنند و حتی هزار تا کار دیگر که به وسیله آن بتوانند از حق خود دفاع کنند.

■ خیلی حرف‌ها هست که باید گفته شود: ولی از حوصله این گفت و گو خارج است و در نهایت می‌رسیم به اینکه پوران درخشنده‌ها باید حضور داشته باشند نباید ساکت باشند و همچنان کار کنند.

ما احتیاج به حمایت مردم داریم. مثل همین حمایتی که مردم از این فیلم در سرتاسر ایران انجام دادند. زنان و مردان ما، پسرها و دخترهای جوان ما ساعت‌ها پشت در سالن‌های سینما منتظر ماندند. شاید باور نکنید اما آنچه به گوش من رسیده پیش آمده است که هفت هشت ساعت پشت در سالن‌های سینما بودند و با التماس می‌دوبیدند که فیلم را ببینند. اینها حمایت‌های بی‌دریغ مردم است. اگر این حمایت‌ها همیشگی باشد. من هم دغدغه‌هایم را فیلم می‌کنم، من دوست دارم کار کنم. چون نمی‌خواهم سرگرمی به وجود بیاورم، و یک قسه عاشقانه مرئی که عاشق یک زن باشد، یا زنی که عاشق مردی می‌شود، اینها موضوع من نیست. موضوعات متعالی از زنی که جایگاهش نادیده گرفته شده می‌تواند مطرح باشد.

من به این موضوع‌ها فکر می‌کنم.

■ خام‌ درخشنده در امریکا دیده شده است، یک کارگردان بین‌المللی است و برای به دست آوردن این جایگاه بسیار زحمت کشیده است، آیا تا به حال به ذهن‌تان نرسیده است که بروید و آنجا فیلم بسازید، از امکانات وسیع آنجا استفاده کنید یا با آنها همکاری کنید و از این موقعیت استفاده کنید؟

در درجه اول دوست دارم برای مردم خودم فیلم بسازم. فیلم من اگر حرفی برای گفتن داشته باشد می‌تواند همه جای دنیا برود و مطرح هم بشود.

■ شما عضو یونیسف هم هستید و کودکان همیشنه و در همه جوامع حضور دارند و پیرامون شان موضوعات زیادی از قشنگی‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌ها مطرح است، کودکان همه چیز را به ما دارند آیا دارد. خوب یک زن با این همه مسئولیت گنج می‌شود. اصلا تو فکر کن هر روز وقتی یک زن از خواب بیدار می‌شود در فکر است که چی درست کنم؟ و هیچ چیزی هم در دستش نباشد.

■ به نظر می‌رسد که این ذهنیت همه

زن‌هاست یا فقط زنانی است که مسأله این زن از نظر روانی به افسردگی می‌رسد همه اینها هست. بنابراین ما احتیاج داریم که تقسیم وظایف کنیم در شرایط الان زن و مرد باید هر دو با هم تلاش کنند و اصلا این طوری نمی‌شود که زن هم بی‌وزن کار کند و وقتی هم به خانه می‌آید در خانه کار کند و کارهای خانه را انجام بدهد و کسی هم نباشد بگوید دست درد نکند. و این بی تفاوتی زن را نسبت به خیلی چیزها بی تفاوتی می‌کند؛ و این در مرور زمان از خیلی چیزها بدش می‌آید.

■ می‌توانیم بگویم به طور کلی از یک محدوده زمانی به این طرف

خصوصا در شرق زنها خودشان کار هم می‌کنند. هماهنگی بین کار خانه و بیرون را از دست می‌دهند و سر درگم می‌مانند که کدام درست و دیگری نباشد.

زنها باید تلاش کنند و

نباید هیچ وقت ناامید

باشند، اینکه بخواهند بگذرد،

به نظر من غلط‌ترین شکل

ممکن است. آنها باید استواری

خود در تثبیت جایگاه‌شان و

توسعه خودشان به لحاظ دانش

و آگاهی را با ابزار قدرتمند

دانش و آگاهی تثبیت کنند؛

نشان بدهند در چه جایگاهی و

چه موقعیتی هستند زیرا آنها

حتی می‌توانند در

تصمیم‌گیری‌های بزرگ و مهم

شرکت داشته باشند و نقش

اساسی داشته باشند

زن‌ها باید تلاش کنند و

نباید هیچ وقت ناامید

باشند، اینکه بخواهند بگذرد،

به نظر من غلط‌ترین شکل

ممکن است. آنها باید استواری

خود در تثبیت جایگاه‌شان و

توسعه خودشان به لحاظ دانش

و آگاهی را با ابزار قدرتمند

دانش و آگاهی تثبیت کنند؛

نشان بدهند در چه جایگاهی و

چه موقعیتی هستند زیرا آنها

حتی می‌توانند در

تصمیم‌گیری‌های بزرگ و مهم

شرکت داشته باشند و نقش

اساسی داشته باشند